

گفت وگو با نوش آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک (بخش دوم)

شکوه حاجی نصرالله، ماندانا رضوی زاده

۱۹ بهمن ۱۴۰۱

به نظر شما اهمیت کار داوطلبانه در چیست؟

انصاری: من کار داوطلبانه را اول از همه‌ی خدمتی شخصی به خودم دیدم و خیلی از آن سود بردم. همیشه فکر می‌کنم به شکرانه‌ی چیزی که دارم باید برای جامعه‌ام کار کنم و این کار بیشتر از همه برای خودم مفید است. من از سال ۴۲ کار داوطلبانه را شروع کردم. اولین تجربه‌ام در سوئیس بود و دیگری در کتابخانه‌ی دهلی نو در هند. بعد که به ایران آمدم، با شورا آشنا شدم و تا امروز هم کار داوطلبانه را ادامه داده‌ام. وقتی در دانشگاه بودم، همواره از اهمیت کار داوطلبانه در کلاس‌های درس صحبت می‌کردم و همیشه شورا را با خودم به دانشگاه و دانشگاه را به شورا بردم. توانمندی خود را در این سن مدیون کار داوطلبانه هستم. در جریان کار داوطلبانه سن و سال را احساس نمی‌کنم، به ویژه در شورا که تنوع، پویایی، حضور نسل جوان، به وجود آمدن ساختارهای جدید و... وجود دارد. احساس می‌کنم با یک موجود کاملاً زنده زندگی می‌کنم و این به من نیرو و قدرت می‌دهد. در سال ۱۳۴۴ شورا عضو «دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان» و شعبه‌ی ملی ایران در این دفتر شد. الان با ۸۰ کشور در تماس هستیم. در حال حاضر نقش دولت، شهرداری‌ها و حمایت‌های رسمی مستمر در خیلی از موارد بیشتر شده است و به این شکل سیستم‌های داوطلبی رنگ می‌بازند و به نوعی پرداخت مطرح می‌شود. شورای کتاب کودک در ایران یکی از تنها نهادهای کار داوطلبانه است که توانسته بدون دریافت کمک مستمر دولتی روی پای خود بایستد. یعنی مردم خودشان به نهادی که قرار است به آنها خدمت کند، کمک می‌کنند. این موضوع فوق‌العاده استثنایی است و باعث شده بتوانیم استقلال خود را حفظ کنیم و از اینکه دست این پرداخت‌ها از پشتمان برداشته شود، نترسیم. دستاورد مهم دیگر در این سال‌ها، بحث هماهنگی و مشارکت است. همیشه فکر می‌کنم ما مثل زائرانی هستیم که راه دشواری را با هم طی می‌کنیم. مهم نیست که به قله می‌رسیم یا نه. مسیر مهم است و اینکه در طول آن به ما چه می‌گذرد. در این مسیر، مشارکت و از من به ما رسیدن را یاد گرفتیم. خیلی از دوستان از شورا، از این آشیانه، پرواز و نهادهای خود را تاسیس کردند و این بسیار موجب خوشبختی شورا است. بخشی از شورا و آموزش‌های آن در این افراد وجود دارد و این باعث خوشحالی ماست که خانواده‌ای قدرتمند و بزرگ داریم. الان ما خانواده‌ی بزرگی هستیم که در جهان شناخته شده و می‌دانند در ایران شورای کتاب کودکی وجود دارد که ملی و بسیار با نفوذ است و توانسته است با تمام مشکلات شصت سال عمر خود به فعالیت‌هایش ادامه دهد.

حاج نصرالله: کار داوطلبانه حال خود آدم را خوب می‌کند. در حقیقت شخص به خاطر خودش وارد کار داوطلبانه می‌شود. ما در طرح بامداد کتابخانه‌ها فعالیت می‌کنیم و در روستاها خیلی از ما سپاسگزاری می‌کنند ولی ما می‌گوییم دینی به شما نداریم و در وهله‌ی اول به دنبال خوب کردن حال خودمان هستیم. در ایران همه تاثیر کار داوطلبانه را در زندگی شخصی خود دیده‌اند.

الگوی کار مشارکتی و داوطلبانه چیست؟

انصاری: من فکر می‌کنم یکی از مهمترین مسئولیت‌های ما و همه‌ی کسانی که کار داوطلبانه‌ی فرهنگی می‌کنند، پیدا کردن راه برای فراخواندن نسل جوان به مشارکت در کار داوطلبانه است. در خیلی از کشورهای جهان این کار را از دبستان شروع می‌کنند. دعوت به کار مشارکتی و کار داوطلبانه باید از مدارس آغاز شود. باید ساز و کارهایی به وجود آورد که بچه‌ها از سنین پایین وارد کار داوطلبانه و عضو گروه جوان شوند. آشنا کردن نوجوانان از راهنمایی به بعد با کار داوطلبانه می‌تواند برای آنها خیلی مفید باشد و البته نیازمند سازماندهی است. این ساختار در غرب وجود دارد و بچه‌ها از دبستان یاد می‌گیرند چطور با جامعه‌ی خود مرتبط شوند و با نابینایان، ناشنوایان و... ارتباط بگیرند. کار داوطلبانه باید به سمت نوجوان برود و آنها بتوانند این نوع کار را انجام دهند. سن در این زمینه خیلی مهم است. گاهی افراد با سن بالا وارد این حوزه می‌شوند که دیر است. شما از مناطق کم‌برخوردار بیشتر سخن می‌گویید ولی من اعتقاد دارم مناطق مرفه ما هم از نظر فرهنگی کم‌برخوردار هستند. کتابخانه‌های این مناطق منفعل و بسته هستند و این نگاه را دارند که بچه‌ها باید درس بخوانند و به سوی کتاب و ادبیات نروند. من در یک مدرسه‌ی فوق‌العاده سطح بالای تهران مطرح کردم که بچه‌ها باید یاد بگیرند با نابینایان کار کنند و ساعتی از عمر خود را برای کودک همسن خود که نابیناست، کتابخوانی کنند. پس از آن جلسه، مدیرمدرسه گفت ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم، اما والدین اجازه نمی‌دهند و می‌گویند اعصاب فرزندانم خرد می‌شود. این کارها نیاز به شهامت و وجود مدارس تجربی دارد. امیدوارم گروه‌هایی تشکیل شوند که چنین کارهایی را انجام دهند. ما به خود شورا، شورای شصت ساله، به عنوان یک نهاد بسیار پویا نگاه می‌کنیم. جوان‌های بسیاری به شورا می‌پیوندند و وارد گروه‌های بررسی می‌شوند. از بیرون مشخص نمی‌شود که داخل شورا چقدر حرکت و پویایی وجود دارد. تمام این بازآموزی‌هایی که اساتید در این چندسال اخیر در شورا انجام داده‌اند، خیلی مهم و تاثیرگذار هستند. یکی از نقاط قوت سازمان‌های مردم‌نهاد این است که همیشه مورد ارزیابی قرار گیرند و پویایی درون خود را حفظ کنند. راکد نبودن و برخورد با نیازها بسیار سودمند است و همین چیزها شورا را قدرتمند و پایدار نگه می‌دارد.

حاجی نصرالله: در شورای کتاب کودک روی موضوع جوانگرایی بسیار کار شده است. نسل جدید در شورای مدیریت، در کمیته‌ی بررسی و... حضور دارند. در این بخش‌ها نسل قدیم و نسل جدید در کنار هم فعالیت می‌کنند و این همنشینی باعث شکوفایی آنها می‌شود.

آینده‌ی شورا را چطور می‌بینید؟

انصاری: من آدم بسیار خوشبینی هستم و اعتقاد دارم چون دل اعضای شورا پاک است و برای کودکان این سرزمین می‌تپد و با خلوص نیت کار می‌کند، در هر وضعیتی وجودش ضروری خواهد بود. موضوع اصلی در نگاه بنیانگذاران شورا این است که ما باید یک جامعه‌ی پرسشگر، مطالبه‌گر و کنجکاو تربیت کنیم. پیشرفت این سرزمین به میزان پرسشگری و مطالبه‌گری جامعه بستگی دارد و چون این مسئله باقی خواهد ماند، نهادی مثل شورا قطعاً به حیاتش ادامه خواهد داد. به یک بعد دیگر هم باید توجه کرد و آن بحث مالی است. حامیان بزرگ شورا در سال‌های اخیر به خاطر مشکلات اقتصادی کمتر شده‌اند. ما هنوز نتوانسته‌ایم به صراحت با داوطلبان در مورد هزینه‌های شورا گفت و گو کنیم. خیلی‌ها می‌گویند چرا ما هم کار داوطلبانه انجام دهیم و هم پول پرداخت کنیم؟ واقعیت این است که برای مستقل ماندن باید به این شیوه عمل کرد. امیدوارم اگر امکانات اقتصادی برای شورا فراهم شود بتواند سال‌های سال پابرجا بماند. من به آینده‌ی شورا و اعتمادی که به شورا وجود دارد، خوشبین هستم. کار داوطلبانه دو وجه دارد: یک وجه آن کاری است که داوطلب انجام می‌دهد، وجه دیگر آن هم آموختن روش‌های گردآوری منابع مالی برای انجام کار است.

از بیست سال پیش تا امروز چه اتفاق‌هایی در شورا افتاده است؟

انصاری: زمانی که من وارد شورا شدم یعنی سال ۱۳۴۲، هیئت مدیره‌ی شورا یک گروه بسیار مقتدر بود که تمام امور شورا را اداره می‌کرد. بدون نظر و اطلاع همه‌ی اعضا اتفاقی در شورا رخ نمی‌داد. اخیراً در مطلبی که برای نشریه‌ی «تجربه» نوشتم، اشاره کردم که بعد از شصت سال رسیده‌ایم به مرحله‌ای که هیئت مدیره مقام مشورتی پیدا کرده و نظارت کلی و اطلاعاتی به مسائل دارد. این وضعیت چگونه اتفاق افتاد؟ به مرور این تصمیم گرفته شد که کمیته‌ها تاسیس شوند، شورای ادبیات کودکان و شورای فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوان تشکیل شد. تمام اینها زیرمجموعه‌های خیلی متنوعی پیدا کردند و آیین‌نامه‌هایشان تدوین شد. بنابراین، کار شورا میان اعضا بیشتر گسترش پیدا کرد و آنها متوجه شدند که در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها می‌توانند نقش فعال داشته باشند. یک ساختار مدیریتی بسیار منسجم و نمودار سازمانی برای شورا نوشته شد. خانم میرهادی همیشه می‌گفتند مبادا این نمودار سازمانی دست و پاگیر باشد. نمودار سازمانی برای پیشبرد کار است. زمانی که حس می‌کنید کمیته‌ای کارایی ندارد، سهامت داشته باشید که آن را تغییر دهید و پرهیز کنید از اینکه افراد خاصی نفوذ خاص پیدا کنند. در این دو دهه خیلی کار شده تا شورا بتواند روی پای خودش بایستد. شورا یک ساختار

بسیار محکم مدیریتی دارد و می‌تواند با توجه به اعضای جدید و مطالبه‌گری آنها راه خود را پیش ببرد و من نسبت به این موضوع بسیار بسیار خوشبین هستم. امیدوارم این نگاهی که دارم نگاه درستی باشد و شورا برای ایران و به عنوان یک الگو برای جهان باقی بماند.